

آیا امام زمان علیه السلام در هنگام ظهور، مسجد الحرام و مسجد النبی را خراب خواهد کرد؟

توضیح سؤال:

در بعضی از سایت‌های وهابی دیدم که از کتاب بحار الأنوار نقل کرده بود:

روی المجلسی: (إن القائم يهدم المسجد المرام متى يرده إلى أساسه، والمسجد النبوي إلى أساسه).

بحار الأنوار 338/52، الغيبة للطوسی 282 .

آیا این مطلب صحت دارد؟ آیا واقعا حضرت مهدی علیه السلام خانه کعبه و مسجد النبی را خراب خواهند کرد؟

پاسخ:

آیا وهابیون می‌توانند چنین اشکالی بکنند؟

جالب توجه است که بدانیم وهابیون که تصمیم دارند با تخریب گنبد، محل دفن رسول خدا (ص) را از مسجد خارج کنند و نیز تغییرات فراوان در ساختار مسجد الحرام داده‌اند، چنین اشکالی به شیعیان می‌گیرند!

البانی : واجب است مسجد رسول فدا (ص) را فراب کرده به حالت سابق برگرداند!

البانی، از مشهورترین علمای وهابی در کتاب « تحذیر الساجد من اتخاذ القبور مساجد » می‌نویسد:

قلت : ومما يؤسف له أن هذا البناء قد بنى عليه منذ قرون إن لم يكن قد أزيل تلك القبة الفضراء العالية.

وأميأ القبر الشريف بالنوافذ النحاسية والزقارف والسيف وغير ذلك مما لا يرضاه صامب القبر نفسه صلى الله عليه وسلم؛ بل قد رأيت مين زرت المسجد النبوي الكريم وتشرفت بالسلام على رسول الله صلى الله عليه وسلم سنة 1368 هـ رأيت في أسفل مائط القبر الشمالى ممرابا صغيرا ووراءه سدة مرتفعة عن أرض المسجد قليلا إشارة إلى أن هذا المكان خاص للصلاة وراء القبر فعجبت مینئذ كيف ضلت هذه الظاهرة الوثنية قائمة في عهد دولة التوميد. أقول هذا مع الاعتراف بأننى لم أر أمدأ يأتى ذلك المكان للصلاة فيه لشدة المراقبة من قبل المرس الموكلين على منع الناس من يأتوا بما يخالف الشرع عند القبر الشريف فهذا مما تشكر عليه الدولة السعودية ولكن هذا لا يكفى ولا يشفى وقد كنت قلت منذ ثلاث سنوات فى كتابى " أمكاه الجنائز وبدعها " (208 من أصلى) :

«فالواجب الرجوع بالمسجد النبوي إلى عهده السابق وذلك بالفصل بينه وبين القبر النبوي بمائط يمتد من الشمال

إلى الجنوب بحيث أن الداخل إلى المسجد لا يرى فيه أى مخالفة لا ترضى مؤسسها صلى الله عليه وسلم.

اعتقد أن هذا من الواجب على الدولة السعودية إذا كانت تريد أن تكون مامية التوميد مقا وقد سمعنا أنها أمرت

بتوسيع المسجد مجددا فلعلها تتبنى اقترامانا هذا وتجعل الزيادة من الجهة الغربية وغيرها وتسد بذلك النقص

الذي سيصيبه سعة المسجد إذا نفذ الاقتراح أرجو أن يوفق الله ذلك على يدها ومن أولى بذلك منها؟»

ولكن المسجد وسع منذ سنتين تقريبا دون إرجاعه إلى ما كان عليه في عهد الصمابة والله المستعان.

از چیزهای باید برای آن تأسف فرود این است که این بنا در قرن‌های گذشته سافته شده است، و اگر این نبود، باید

این گنبد سبز و بلند فراب می‌شد.

و اطراف قبر شریف با پنجره‌های از جنس مس، نقاشی شده و دارای پرده و... اماطه شده است که صامب قبر از آن‌ها

راضی نیست.

بلکه در زمان زیارت مسجد نبوی، هنگامی در سال 1368هـ برای عرض سلام به رسول خدا رفته بودم، در پایین دیوار

شمالی قبر، ممراب کوچک را دیدم که در پشت آن سکوی که کمی از سطح مسجد بلند بود وجود داشت و اشاره

داشت به این مطلب که این جا مکان مخصوص نماز در پشت قبر شریف است؛ پس در این هنگام شگفت زده شدم

که چگونه این نماد بت‌پرستی در زمان دولت تومید باقی مانده است!

اعتراف می‌کنم که هیچ فردی را ندیدم که برای نماز خواندن در این مکان بیاید؛ چرا که به شدت از سوی نهبانانی که

مردم را از انجام کارهای خلاف شرع در کنار قبر شریف منع می‌کردند، مراست می‌شد و باید به خاطر این کار از دولت

سعودی تشکر کرد؛ اما این تنها کفایت نمی‌کند و دواى درد نیست. من سه سال پیش در کتابم «امکام الجنائز و

بدعها» گفتم:

«پس واجب است مسجد نبوی به همان شکل سابق خود برگردد و بین مسجد و قبر پیامبر از طرف شمال تا

جنوب دیواری کشیده و فاصله شود؛ به طوری که در داخل مسجد هیچ چیز فلافی که مؤسس مسجد از

آن راضی نیست، دیده نشود.

اعتقاد دارم که این مسأله بر دولت سعودی واجب است؛ اگر آن‌ها می‌فروهند پشتیبان واقعی تومید باشند.

شنیدم که دولت سعودی دستور توسعه مجدد مسجد را داده است؛ پس شاید آن‌ها به این پیشنهاد من اعتنا کنند، و

مسجد را از طرف غرب و دیگر جاها توسعه دهند و جلوی این نقصی را که با گسترش مسجد اتفاق می‌افتد، بگیرند.

اگر پیشنهاد پذیرفته شده، امیدوارم که خداوند آن را به دست دولت سعودی تمقق بخشد و چه کسی سزاوارتر از آن‌ها

به این کار!»

ولی نزدیک به دوسال پیش، مسجد را گسترش دادند بدون این که آن را به همان صورتی برگرداند که در زمان
صحابه بوده است.

الألبانی، محمد ناصر الدین (متوفای 1420هـ)، تحذیر الساجد من اتخاذ القبور مساجد، ج 1، ص 68،

ناشر: المکتب الإسلامی - بیروت، الطبعة: الرابعة.

شیخ مقبل بن هادی الوادعی:

واجب است که مسجد رسول خدا (ص) را به حالت مسجد در زمان آن حضرت در آورد!

او که از مفتیان مشهور وهابی یمن است، در دو کتاب خویش، فتوا به وجوب تخریب گنبد رسول خدا و برگرداندن مسجد به حالت
سابق خویش دارد؛ او در کتاب «ریاض الجنة فی الرد علی أعداء السنة» می نویسد:

وبعد هذا لا إخالک تتردد فی أنه یجب علی المسلمین إعادة المسجد النبوی كما کان فی عصر النبوة من الجهة

الشرقیة متى لا یكون القبر داخل المسجد! وأنه یجب علیهم إزالة تلك القبة!

بعد از این سفنان، گمان ندارم که یقین کرده باشی که بر مسلمانان واجب است که مسجد رسول خدا (ص) را به

همان صورتی که در زمان پیامبر، در جهت شرقی آن بوده است بازگردانند، تا قبر داخل مسجد نباشد و بر مسلمانان

واجب است که گنبد را برپینند!

مقبل بن هادی الوادعی، ریاض الجنة فی الرد علی أعداء السنة ص 275

همچنین در کتاب دیگرش «تحفة المجیب علی أسئلة الحاضر والغریب» می نویسد:

نمن نقول وتلكم قبة الهادی بجوارنا نتمنی نتمنی أن قد رأینا المسامی فی ظهرها إلى أن تصل إلى الأرض

ما می گوئیم - درمالیکه گنبد پیامبر در کنار ما است - آرزو داریم، آرزو داریم که ببینیم کلنگها به جان آن

افتاده است، تا آن را با خاک یکسان کند!

مقبل بن هادی الوادعی، تحفة المجیب علی أسئلة الحاضر والغریب، ص 406 چاپ دار الآثار صنعاء

حال با این فتوای صریح وهابیون در وجوب تغییر مسجد رسول خدا (ص) و تغییر عملی در مسجد الحرام و از بین بردن محل آبخوری

از چاه زمزم و... چگونه ادعا می کنند این عمل امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) حرام است!

حال بعد از ذکر این مقدمات می‌گوییم در روایتی که شما از علامه مجلسی و شیخ طوسی نقل کرده‌اید، فقط تخریب مسجد الحرام در آن ذکر شده و سخنی از مسجد النبی نیست. این روایت در بسیاری از کتاب‌ها نقل شده است که اصل آن به این صورت است :

وَرَوَى أَبُو بَصِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَدَمَ الْمَسْجِدَ الْمَرَامَ مَتَّى يَرُدَّهُ إِلَى أَسَاسِهِ وَمَوَاقِلَ الْمَقَامِ إِلَى الْمَوْضِعِ الَّذِي كَانَ فِيهِ وَقَطَعَ أَيْدِي بَنِي شَيْبَةَ وَعَلَّقَهَا بِالْكَعْبَةِ وَكَتَبَ عَلَيْهَا هَوْلًا سُرَّاقُ الْكَعْبَةِ.

ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: آنگاه که مضرت قائم علیه السلام قیام کند مسجد المرام را فراب کند تا به اساس و پایه‌های (اصلی) آن بازگرداند، و مقام (ابراهیم علیه السلام) را به جای اولی خود که در آن بوده بازگرداند، و دست‌های قبیله بنی شیبه را (که کلیدهای کعبه نزد آنان هست) ببرد و به کعبه می‌آویزد، و به آن دست‌ها می‌نویسد: اینها دزدان کعبه.

الشیخ المفید، محمد بن محمد بن النعمان ابن المعلم أبی عبد الله العکبری البغدادی (متوفای 413 هـ)، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج 2، ص 383، تحقیق: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لتحقیق التراث، ناشر: دار المفید للطباعة والنشر والتوزیع - بیروت - لبنان، الطبعة: الثانية، 1414 هـ - 1993 م؛

النیسابوری، ابو علی محمد بن القتال (الشهید 508 هـ)، روضة الواعظین، ص 265، تحقیق: السید محمد مهدی السید حسن الخراسان، ناشر: منشورات الرضی - قم؛

الطبرسی، أبی علی الفضل بن الحسن (متوفای 548 هـ)، إعلام الوری بأعلام الهدی، ج 2، ص 289، تحقیق و نشر: تحقیق مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث - قم، الطبعة: الأولى، 1417 هـ؛

الإربلی، أبی الحسن علی بن عیسی بن أبی الفتح (متوفای 693 هـ)، كشف الغمة فی معرفة الأئمة، ج 3، ص 264، ناشر: دار الأضواء - بیروت، الطبعة الثانية، 1405 هـ - 1985 م؛

العاملی النباطی، الشیخ زین الدین أبی محمد علی بن یونس (متوفای 877 هـ) الصراط المستقیم إلى مستحقی التقدیم، ج 2، ص 254، تحقیق: محمد الباقر البهبودی، ناشر: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، الطبعة الأولى، 1384 هـ؛

المجلسی، محمد باقر (متوفای 1111 هـ)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج 52، ص 338، تحقیق: محمد الباقر البهبودی، ناشر: مؤسسه الوفاء - بیروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، 1403 - 1983 م.

البته همین روایت در برخی از کتاب‌های شیعه به صورت مرسل این گونه نقل شده است:

أَمَدُ بْنُ مُعَمَّرٍ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ الْمُسَيْنِ عَنْ وَهَيْبِ بْنِ مَقْصَرٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

عليه السلام قَالَ إِنَّ الْقَائِمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا قَامَ رَدَّ الْبَيْتَ الْمَرَامَ إِلَى أَسَاسِهِ وَمَسْجِدَ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

وآلِهِ إِلَى أَسَاسِهِ وَمَسْجِدَ الْكُوفَةِ إِلَى أَسَاسِهِ وَقَالَ أَبُو بَصِيرٍ إِلَى مَوْضِعِ التَّمَارِينَ مِنَ الْمَسْجِدِ.

ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: آنگاه که مضرت قائم علیه السلام قیام کند، بیت المرام،

مسجد النبی و مسجد کوفه را به اساس و پایه‌های اصلی آن برمی‌گرداند. ابوبصیر گفته: مسجد کوفه را

به منطقه فرما فروشان مسجد، برمی‌گرداند.

الکلینی الرازی، أبو جعفر محمد بن یعقوب بن إسحاق (متوفای 328 هـ)، الأصول من الکافی، ج 4، ص 543، ناشر: اسلامیه، تهران،

الطبعة الثانية، 1362 هـ.ش؛

الطوسی، الشیخ ابوجعفر، محمد بن الحسن بن علی بن الحسن (متوفای 460 هـ)، تهذیب الأحکام، ج 5 ص 452، تحقیق: السید

حسن الموسوی الخراسانی، ناشر: دار الکتب الإسلامیة - طهران، الطبعة الرابعة، 1365 ش؛

المجلسی، محمد باقر (متوفای 1111 هـ)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج 97 ص 459، تحقیق: محمد الباقر

البهبودی، ناشر: مؤسسه الوفاء - بیروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، 1403 - 1983 م.

و شیخ طوسی همین روایت را با این سند نقل کرده است:

عنه (الفضل بن شاذان) عن عبد الرمان، عن ابن أبي حمزة، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام قال :

القائم يهدم المسجد المرام متى يرده إلى أساسه، ومسجد الرسول صلى الله عليه وآله إلى أساسه، ويرد البيت

إلى موضعه، وأقامه على أساسه، وقطع أیدی بنی شیبۀ السراق وعلقها على الكعبۀ.

ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: آنگاه که مضرت قائم علیه السلام قیام کند، مسجد المرام و

مسجد النبی را فراب می‌کند تا آن را بر اساس و اصلش بسازد، فانه کعبه را جای اصلی فود برگردانده و دستان

دزدان بنی شیبیه را قطع و آنها را بر فانه کعبه آویزان می‌کند.

الطوسی، الشیخ ابوجعفر، محمد بن الحسن بن علی بن الحسن (متوفای 460 هـ)، کتاب الغیبه، ص 472، ح 492، تحقیق الشیخ عباد الله

الطهرانی / الشیخ علی احمد ناصح، ناشر: مؤسسه المعارف الاسلامیة، الطبعة: الأولى، 1411 هـ.

بررسی سند روایات:

روایت اولی که از شیخ مفید و دیگران نقل شد، همگی به صورت مرسل نقل و سند روایت را ذکر نکرده‌اند و روایت مرسل نیز ارزش استناد ندارد.

روایت دوم نیز که مرحوم کلینی و دیگران نقل کرده‌اند، همان‌طور از سند آن پیدا است، مرسل است؛ چرا که در سند روایت «عمن حدثه» دارد و مشخص نیست که این فرد چه کسی است تا بررسی شود؛ پس این روایت نیز ارزش استناد ندارد.

اما روایت سوم که شیخ طوسی در کتاب الغیبه با سند متصل نقل کرده است، بازهم از نظر سندی مشکل دارد؛ چرا که در سند آن

علی بن ابی حمزه بطائنی وجود دارد. او نخستین کسی است که فرقه واقفه را به خاطر طمع در مال و اموالی که از امام کاظم

علیه السلام در نزد او بود، بنیان نهاد.

حضرت آیت الله العظمی خوئی در شرح حال او روایات فراوانی نقل کرده که ما به دو روایت اشاره می‌کنیم:

وقال الکشی (256) علی بن ابی ممزۀ البطائی : مدثنی ممد بن مسعود، قال : مدثنی علی بن المسن (أبو المسن)،

قال : مدثنی أبو داود المسترق، عن علی بن ابی ممزۀ، قال : قال أبو المسن موسى علیه السلام : یا علی

أنت وأصمابک شبه الممیر.

أقول : تأتي هذه الرواية بهذا السند وبسند آخر، صمیع أيضا، عن عیینة بیاع القصب مرتین، قال ابن مسعود :

قال أبو المسن علی بن فضال : علی بن ابی ممزۀ کذاب متهم، روى أصمابنا أن أبا المسن الرضا علیه السلام،

قال بعد موت ابن ابی ممزۀ : إنه أقعد فی قبره فسئل عن الأئمة علیهم السلام فأفیر بأسمائهم متى انتهى

إلی فسئل فوقف، فضرب علی رأسه ضرباً امتلاً قبره ناراً.

امام موسی کاظم علیه السلام قطاب به علی بن ابی ممزۀ فرمودند: ای علی! تو و یارانت همسان ممار هستید.

من (فوهی) می‌گویم: این روایت با همین سند و با سند دیگر که او نیز صمیع است، از عیینة فروشنده نی، دو بار

نقل شده است. ابن مسعود از ابوالحسن علی بن فضال نقل کرده که : علی بن ابی‌ممزۀ دروغگو و مورد اتهام

(به دنیا طلبی و فروغ از مذهب مق) است، اصماب ما از امام رضا علیه السلام نقل کرده‌اند که آن مضرت فرمود:

بعد از مردنش او را بر قبرش نشانده و از امامانش سؤال کردند، نام همه را گفت تا این که به نام من رسید،

از او سؤال کردند، جوابی نداشت؛ پس ضربتی به سر او زدند که قبرش از آتش پر شد.

الموسوی الخوئی، السید أبو القاسم (متوفای 1411هـ)، معجم رجال الحدیث وتفصیل طبقات الرواة، ج 12، ص 235، الطبعة

الخامسة، 1413هـ - 1992م

در نتیجه تمامی این روایات از نظر سندی مشکل دارد و قابل احتجاج نیست.

بررسی دلالی روایات:

گذشته از بحث در سند روایات، روشن است که که خراب کردن کامل مسجد الحرام و مسجد النبی از نظر دین مبین اسلام حرام است

و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که بیش از همه مردم به حلال و حرام الهی آگاه است، هرگز کاری بر خلاف شریعت

اسلامی انجام نخواهد داد. (البته در صورت غضب، تخریب کردن مواردی که به صورت غضبی از مردم گرفته شده و جزو اضافات

مسجد به حساب می‌آید اشکالی ندارد و بلکه واجب است! و اصلاً آن قسمت‌ها حقیقتاً جزو مسجد به حساب نمی‌آید) همچنین تخریب

سایر مساجد نیز تنها در موارد خاص جایز است (مانند تخریب مسجد ضرار)

اما اگر واقعا هم چنین کاری را انجام دهد؛ از آن جائی که تمام مسلمانان بر امامت و خلافت آن حضرت و این که دنیا را پر از عدل داد خواهد نمود، اتفاق نظر دارند، تردید نخواهیم کرد که این کار آن حضرت بر مدار رضایت خداوند است و گرنه چگونه امکان دارد که او را مجری عدالت و از بین برنده ظلم و جور بدانیم.

البته احتمال دارد که دلیل آن حضرت برای تخریب مساجد نامبرده شده - بر فرض صحت- خراب کردن آثار سلاطین جور باشد که در طول تاریخ از روی ریا و خودنمایی و یا با مال حرام این بناها را ساخته باشند و از آن جائی که امام وظیفه دارد عالم را از آثار وجودی ظالمان و فاجران پاک سازد، یکی از مصادیق آن تخریب همین آثار باشد و قطعا بعد از آن دوباره مسجد را با مال حلال و آن طور که خداوند راضی هست، بنا خواهد کرد.

و یا مواردی را که در تاریخ آمده است که غضب شده و به مساجد اضافه شد (از جمله بعضی از خانه‌های مکه) نیز در صورت عدم رضایت مالکین آنها، غضب به حساب آمده و باید تخریب شده و به ورثه مالکین باز گردد.

خلفا در توسعه مسجد، از غضب نیز فروگذار نبودند!

یکی از این بیوت، خانه عباس عموی رسول خدا (ص) است که اهل سنت از یک سو ادعا می‌کنند عمر خواست به هر نحو ممکن خانه را از او بگیرد، اما او نپذیرفت؛ ولی خود او خانه را وقف مسجد کرد و عمر نیز خانه را ضمیمه مسجد کرد. از سوی دیگر می‌گویند در زمان عثمان یا زمان ولید، خانه را وارد مسجد کردند!

أفبرنا یزید بن هارون قال أفبرنا أبو أمیة بن یعلی عن سالم أبي النضر قال لما کثر المسلمون فی عهد عمر ضاق بهم المسجد فاشتری عمر ما موهل المسجد من الدور الا دار العباس بن عبد المطلب ومجر أمهات المؤمنین فقال عمر للعباس یا أبا الفضل ان مسجد المسلمین قد ضاق بهم وقد ابتعت ما موله من المنازل نوسع به علی المسلمین فی مسجدهم الا دارک ومجر أمهات المؤمنین فأما مجر أمهات المؤمنین فلا سبیل إلیها واما دارک فبئنیها بما شئت من بیت مال المسلمین أوسع بها فی مسجدهم فقال العباس ما کنت لأفعل قال فقال له عمر افتر منی إمدی ثلاث اما ان تبیعنیها بما شئت من بیت مال المسلمین واما ان افططک میث شئت من المدینة وابنیها لک من بیت مال المسلمین واما ان تصدق بها علی المسلمین فنوسع بها فی مسجدهم فقال لا ولا واهمه منها فقال عمر اجعل بینی وبنیك من شئت فقال أبو بن کعب فانطلقا إلی أبي فقصا علیه القصة فقال أبو ان شئتکما مدتکما بمدیث سمعته من النبی صلی الله علیه وسلم فقلا مدتکما فقال سمعت رسول الله صلی الله علیه وسلم یقول ان الله أومی إلی داود ان بن لی بیتا أذکر فیہ ففط له هذه الفطیة بیت المقدس فإذا تربیعها بیت (جل من بنی إسرائيل فسأله داود ان یبیعها إیاه بأبی فمدت داود نفسه ان یأخذ منه فأومی الله الیه ان یا داود أمرتک ان تبنی لی بیتا اذکر فیہ

فأردت ان تدفل فى بيتى الضعب ولىس من شأنى الضعب وان عقوبتك ان لا تبنيه قال يا رب فمن ولى قال من ولىك قال فأفد عمر بمجامع ثياب أبى بن كعب وقال جئتك بشىء فمئت بما هو أشد منه لتفرجن مما قلت فجاء يقوده متى أدفله المسجد فأوقفه على ملقة من أصصاب رسول الله صلى الله عليه وسلم فيهم أبو ذر فقال انى نشدت الله رجلا سمع رسول الله صلى الله عليه وسلم يذكر مديث بيت المقدس مين أمر الله داود أن يبنيه الا ذكره فقال أبو ذر انا سمعته من رسول الله قال آفر انا سمعته يعنى من رسول الله صلى الله عليه وسلم قال فأرسل عمر أبا قال وأقبل أبى على عمر فقال يا عمر أتتهمنى على مديث رسول الله صلى الله عليه وسلم فقال عمر يا أبا المنذر لا والله ما اتهمتك عليه ولكنى كرهت ان يكون المديث عن رسول الله صلى الله عليه وسلم ظاهرا قال وقال عمر للعباس اذهب فلا أعرض لك فى دارك فقال العباس اما إذ فعلت هذا فانى قد تصدقت بها على المسلمين أوسع بها عليهم فى مسجدهم فأما وأنت تفاصمنى فلا قال فخط عمر لهم دارهم التى هى اليوم وبنائها من بيت مال المسلمين

وقتى مسلمانان در زمان عمر زياد شدند، مسجد براى آنان كوچك شد، به همين دليل عمر فانه‌هاى کنار مسجد را فريد، جز فانه عباس عموى رسول خدا (ص) و فانه همسران رسول خدا (ص) را؛ عمر به عباس گفت : اى ابافضل! مسجد براى مسلمانان تنگ شده است، و من فانه‌هاى اطراف مسجد را فريده‌ام كه براى مسلمانان گشائيشى ايجاد كنم، مگر فانه تو و همسران رسول خدا (ص) را؛ فانه همسران رسول خدا (ص) را نمى‌توان كارى كرد! اما فانه خود را به هر قيمتى كه فواستى به من بفروش!

عباس گفت : من چنين كارى نمى‌كنم!

عمر گفت : يكى از اين سه كار را بايد انتخاب كنى! يا فانه را با قيمتى كه فواستى مى‌فروشى، يا هر قسمتى از مدينه را كه فواستى در ازاي آن براى خود و پسرانت بر مى‌دارى، يا آن را به مسلمانان مى‌بفشى كه بتوانيم مسجد را گسترش دهيم!

عباس گفت : هيچ‌كدام را!

عمر گفت : شفىصى را بين من و خودت قاضى قرار بده؛ به نزد ابى بن كعب رفتند و ماجرا را گفتند! أبى گفت : اگر بفواهد براى شما مديثى را كه از رسول خدا (ص) شنيدم براى شما مى‌گويم! گفتند : بگو!

گفت : رسول خدا (ص) فرمودند فداوند به داود و مى كرد كه براى من فانه‌اى بنا كن كه در آن ياد من شود! او در بيت المقدس براى اين كار نقشه‌اى كشيد! اما فانه يكى از بنى اسرائيل در ميان اين نقشه بود! داود از او فواست كه فانه

را به او بفروشد اما او قبول نکرد؛ داود تصمیم گرفت که خانه را از او بگیرد اما فداوند به او وحی نمود که من به تو وحی کردم که خانه‌ای برای من بسازی که در آن یاد من شود؛ اما تو می‌خواهی خانه‌ای غصبی در مسجد من وارد کنی؟ و من غصب نمی‌کنم! تنبیه تو این است که دیگر این خانه را نسازی! داود گفت: فدایا! پس از فرزندانم! فداوند گفت: از فرزندان تو (پنین فواهد کرد)!

وقتی اَبی بن کعب این روایت را خواند، عمر یقه لباس او را گرفت و گفت: من برای مشکلی نزد تو آمدم که تو آن را فراب‌تر کردی!

پس به زور او را به مسجد آورده و او را در میان گروهی از اصحاب رسول فدا (ص) نگاه داشت که ابوذر نیز در میان آنان بود و گفت: شما را به فدا قسم می‌دهم که آیا کسی از شما این روایت را از رسول فدا (ص) شنیده است؟ ابوذر گفت: من این روایت را از رسول فدا (ص) شنیدم! دیگری نیز چنین گفت!

عمر، اَبی بن کعب را رها کرد و اَبی بن کعب رو به عمر نموده و گفت: ای عمر! آیا مرا به دروغ بستن به رسول فدا (ص) متهم می‌کنی؟

عمر گفت: فیرا! من تو را متهم نمی‌کنم! اما دوست نداشتم که این روایت از رسول فدا (ص) آشکار شود! بعد از این ماجرا عمر به عباس گفت: برو دیگر در مورد خانه‌ات مزاحمت نمی‌شوم! عباس گفت: چون چنین کردی، من خانه را به همه مسلمانان صدقه می‌دهم تا بتوانی مسجد را برای آنان گسترش دهی؛ اما تو نمی‌توانی آن را به زور از من بگیری!

عمر برای ممل خانه او نقشه‌ای کشید و سپس آن را از مال مسلمانان بنا کرد!

الزهري، محمد بن سعد بن منيع ابو عبدالله البصري (متوفای 230هـ)، الطبقات الكبرى، ج 4، ص 21، ناشر: دار صادر - بيروت.

این روایت به خوبی نشان می‌دهد که اگر عمر از سخن رسول خدا (ص) با خبر نمی‌شد، به هر نحو ممکن، خانه را از عباس می‌گرفت و این غصب به حساب می‌آمد!

البته در تعارض با قسمت آخر روایت، علمای اهل سنت مطالب دیگری نیز نقل کرده‌اند؛ ابن تیمیه در مورد خانه عباس می‌گوید:

قال أبو زيد مدثنا محمد بن يمي عن عبد الرمن بن سعد عن أشيافه أن عثمان أدفل فيه دار العباس

بن عبد المطلب مما يلي القبلة والشام والضرب.

عثمان خانه عباس را در سمت قبله وارد مسجد کرد!

ابن تیمیه الحرانی الحنبلی، ابوالعباس أحمد عبد الحلیم (متوفای 728 هـ)، الرد علی الأحنائی، ج 1، ص 123، تحقیق: عبد الرحمن

سمهودی نیز وارد شدن خانه عباس را در مسجد، در زمان ولید می‌داند!

السمهودی الحسنی، علی بن عبد الله بن أحمد (متوفای 911هـ)، خلاصه الوفا بأخبار دار المصطفى ج 1، ص 133، طبق برنامه الجامع الكبير.

بنا بر این استبعادی ندارد که گروهی به خاطر دوری از سنت رسول خدا (ص) به اشتباه، خانه مردم را در مقابل دادن وجه آن، به زور از آنان گرفته و مسجد الحرام یا مسجد النبی را گسترش داده باشند و امام زمان، این اضافات را ویران کند!

پیامبر خدا (ص) نیز می‌خواست خانه کعبه را ویران کند:

از همه این‌ها گذشته، اهل سنت در صحیح‌ترین کتاب‌های خود نقل کرده‌اند که رسول خدا صلی الله علیه وآله می‌خواست خانه کعبه فعلی را ویران نموده و آن را به محلی که خود حضرت ابراهیم علیه السلام ساخته بوده، برگرداند؛ چرا که مشرکان در طول تاریخ بارها خانه کعبه را تعمیر و بر اثر نادانی و جهل و... تغییراتی در آن به وجود آورده بودند که رسول خدا صلی الله علیه وآله می‌خواست آن را خراب و به محل اصلی‌اش برگرداند؛ اما از آن جایی که قریشیان تازه مسلمان شده بودند و هرگز زیر بار چنین چیزی نمی‌رفتند، رسول خدا از این کار صرف نظر نمود.

محمد بن اسماعیل بخاری در صحیحش می‌نویسد:

عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ رَوَى النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَهَا أَلَمْ تَرَى أَنَّ قَوْمَكَ لَمَّا بَنَوْا الْكَعْبَةَ اقْتَصَرُوا عَنْ قَوَاعِدِ إِبْرَاهِيمَ. فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَلَا تَرُدُّهَا عَلَى قَوَاعِدِ إِبْرَاهِيمَ. قَالَ: «لَوْلَا مِدَّتَانُ قَوْمِكَ بِالْكَفْرِ لَفَعَلْتُ».

از عائشه همسر رسول خدا (ص) روایت شده است که آن حضرت فرمود: آیا نمی‌دانی که قوم تو وقتی

کعبه را ساختند آن را از پایه‌هایی که حضرت ابراهیم قرار داده بود کوچک‌تر گرفته‌اند؟

گفتم: چرا شما آن را به حالت اول باز نمی‌گردانید؟

فرمود: اگر قوم تو تازه مسلمان نبودند (ایمانشان قوی بود) چنین می‌کردم.

البخاری الجعفی، أبو عبدالله محمد بن إسماعیل (متوفای 256هـ)، صحیح البخاری، ج 2، ص 573 ح 1506 و ج 3، ص 1232، ح 3188 و

ج 4، ص 1630، ح 4214، (ج 2 ص 156 و ج 4، ص 118 طبق برنامه مکتبه اهل البيت عليهم السلام) تحقیق د. مصطفی دیب البغا، ناشر:

دار ابن کثیر، الیمامة - بیروت، الطبعة: الثالثة، 1407 - 1987.

و در روایت دیگر می‌نویسد:

عَنْ عُرْوَةَ عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَهَا يَا عَائِشَةُ لَوْلَا أَنَّ قَوْمَكَ مَدَيْتُ عَهْدَ بَجَاهِلِيَّةٍ لَأَمَرْتُ بِالْبَيْتِ فَهَدَمَهُ فَادْمَلْتُ فِيهِ مَا أُمْرِجُ مِنْهُ وَأَلْزَقْتُهُ بِالْأَرْضِ وَجَعَلْتُ لَهُ بَابَيْنِ بَابًا شَرْفِيًّا وَبَابًا غَرِيبًا

عليه وسلم لَوْأَ مَدَّأْتَهُ عَهْدَ قَوْمِكِ بِالْكَفْرِ لَنَقَضْتُ الْكَعْبَةَ وَكَبَعْتُهَا عَلَى أَسَاسِ إِبْرَاهِيمَ فَإِنْ قَرَيْشًا مِینَ بَنَاتِ الْبَيْتِ اسْتَقَمَّرَتْ وَكَبَعْتُ لَهَا خَلْفًا.

النيسابوری القشیری، ابوالحسین مسلم بن الحجاج (متوفای 261هـ)، صحیح مسلم، ج 2، ص 968، ح 1333، کتاب الحج، باب نَقْضِ الْكَعْبَةِ وَبَنَاتِهَا، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، ناشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت.

ابن ماجه قزوینی می نویسد:

عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - عَنِ الْمِجْرِ. فَقَالَ «هُوَ مِنَ الْبَيْتِ». قُلْتُ مَا مَنَعَهُمْ أَنْ يُذْمَلُوا فِيهِ قَالَ «عَجَزَتْ بِهِمُ النَّفَقَةُ». قُلْتُ فَمَا شَأْنُ بَابِهِ مُرْتَفِعًا لَا يُمْنَعُ إِلَيْهِ إِلَّا بِسَلْمٍ قَالَ « ذَلِكَ فِعْلُ قَوْمِكِ لِيُذْمَلُوا مَنْ شَاءُوا وَيَمْنَعُوهُ مَنْ شَاءُوا وَلَوْأَنَّ قَوْمَكَ مَدَّيْتُ عَهْدَ بَكْفَرٍ مَخَافَةَ أَنْ تَنْفِرَ قُلُوبُهُمْ لَنَظَرْتُ هَلْ أُغْيِرُهُ فَأُذْمَلَ فِيهِ مَا انْتَقَصَ مِنْهُ وَبَعَلْتُ بَابَهُ بِالْأَرْضِ».

از عائشه روایت شده است که گفت: از رسول خدا (ص) در مورد مجر (اسماعیل) سؤال کردم؛ فرمود: داخل خانه

کعبه است؛ پرسیدم پس چرا آن را وارد کعبه نکرده اند؟

فرمود: نتوانستند سرمایه این کار را تأمین کنند.

گفتم: چرا درب آن این مقدار بالا است که تنها با نردبان به آن می توان رسید؟

فرمود: قوم تو اینگونه کردند تا هر آنکس را می خواهند به کعبه وارد کنند و جلوی هرکس را که خواستند بگیرند.

و اگر این نبود که قوم تو تازه از کفر جدا شده اند - زیرا می ترسم که دل های ایشان (از دین) رمیده شود - در این

مورد که کعبه را تغییر داده و آن مقدار را که از آن بیرون مانده است وارد کعبه نمایم و در آن را با زمین

یکسان کنم، تصمیم می گرفتم.

القزوینی، أبو عبدالله محمد بن یزید (متوفای 275هـ)، سنن ابن ماجه، ج 2، ص 985، ح 2975، تحقیق محمد فؤاد عبد الباقي، ناشر: دار الفكر - بیروت.

البانی نیز این روایت را در صحیح ابن ماجه، تصحیح کرده است:

البانی، محمد ناصر (متوفای 1420هـ)، صحیح ابن ماجه، جزء 2، ص 162، شماره 2946، طبق برنامه المكتبة الشاملة.

این احادیث با اختلافات جزئی که در مضمون آنها وجود دارد، ثابت می کند که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم، به منظور رعایت

مصالحی، از تخریب خانه کعبه خودداری کردند؛ اما در زمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تقیه کاربرد ندارد و لذا آن

حضرت کار ناتمام رسول خدا را تمام خواهد کرد.

طبق روایت دیگری که مسلم نقل کرده است، عبد الله بن زبیر قصد داشت که آن را طبق گفته رسول خدا صلی الله علیه وآله بسازد؛

اما حجاج بن يوسف به دستور عبد الملك بن مروان آن را دو باره ویران کرد و به همان صورتی که در زمان جاهلیت بود برگرداند:

مَدَنَّا هَذَا بَنَ السَّرِيِّ مَدَنَّا بَنَ أَبِي زَائِدَةَ أَهْبَرِي بَنَ أَبِي سُلَيْمَانَ عَن عَطَاءٍ قَالَ لَمَّا امْتَرَقَ الْبَيْتُ زَمَنَ يَزِيدَ بَنَ مُعَاوِيَةَ
مِن غَزَاهَا أَهْلُ الشَّامِ فَكَانَ مِنْ أَمْرِهِ مَا كَانَ تَرَكَهُ بَنَ الرَّبِيعِ بَنَ الرَّبِيعِ مَتَى قَدِمَ النَّاسَ الْمَوْسِمَ يُرِيدُ أَنْ يُجَرِّهُمُ أَوْ يَمْرِبَهُمْ عَلَى
أَهْلِ الشَّامِ فَلَمَّا صَدَرَ النَّاسَ قَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسَ أَشِيرُوا عَلَيَّ فِي الْكَعْبَةِ أَنْقِضُهَا ثُمَّ ابْنِي بِنَاءَهَا أَوْ أَصْلِحْ مَا وَهَى مِنْهَا
قَالَ بَنَ عَبَّاسٍ فَإِنِّي قَدْ فَرِقَ لِي (رَأَى فِيهَا أَرَى أَنْ تُصْلِحَ مَا وَهَى مِنْهَا وَتَدَعِ بَيْتًا أَسْلَمَ النَّاسَ عَلَيْهِ وَأَمْجَارًا أَسْلَمَ النَّاسَ
عَلَيْهَا وَبُجِعَتْ عَلَيْهَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ بَنَ الرَّبِيعِ لَوْ كَانَ أَمَدَكُمْ امْتَرَقَ بَيْتَهُ مَا رَضِيَ مَتَى يُجِدُّهُ فَكَيْفَ بَيْتُ
رَبِّكُمْ إِنِّي مُسْتَفِيرٌ رَبِّي ثَلَاثًا ثُمَّ عَازِمٌ عَلَى أَمْرِي فَلَمَّا مَضَى الثَّلَاثُ أَجْمَعَ رَأْيَهُ عَلَى أَنْ يَنْقُضَهَا فَتَمَامَاهُ النَّاسَ أَنْ يَنْزِلَ
بِأَوَّلِ النَّاسِ يَصْعَدُ فِيهِ أَمْرٌ مِنَ السَّمَاءِ مَتَى صَعِدَهُ رَجُلٌ فَالْقَى مِنْهُ مِجَارَةً فَلَمَّا لَمَّ يَرَهُ النَّاسَ أَصَابَهُ شَيْءٌ تَتَابَعُوا
فَنَقَضُوهُ مَتَى بَلَغُوا بِهِ الْأَرْضَ فَجَعَلَ بَنَ الرَّبِيعِ أَعْمَدَةً فَسَتَرَ عَلَيْهَا السُّتُورَ مَتَى ارْتَفَعَ بِنَاؤُهُ وَقَالَ بَنَ الرَّبِيعِ إِنِّي سَمِعْتُ
عَائِشَةَ تَقُولُ إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَوْ أَنَّ النَّاسَ مَدَّيْتُ عَنْهُمْ بِكُفْرٍ وَكَيْسَ عِنْدِي مِنَ النَّفَقَةِ مَا يَقْوَى عَلَى
بِنَائِهِ لَكُنْتُ أَذْمَلْتُ فِيهِ مِنَ الْمِجْرِ فَمَسَ أَذْرُعٍ وَكَبَعَلْتُ لَهَا بَابًا يَدْخُلُ النَّاسُ مِنْهُ وَبَابًا يَخْرُجُونَ مِنْهُ قَالَ فَإِنَّا الْيَوْمَ أَجِدُ
مَا أَنْفَقُ وَكُنْتُ أَهَافُ النَّاسِ قَالَ فَزَادَ فِيهِ فَمَسَ أَذْرُعٍ مِنَ الْمِجْرِ مَتَى أَبْدَى أَسْأَةً نَظَرَ النَّاسَ إِلَيْهِ فَبَنَى عَلَيْهِ الْبِنَاءَ وَكَانَ
طُولُ الْكَعْبَةِ ثَمَانِي عَشْرَةَ ذِرَاعًا فَلَمَّا زَادَ فِيهِ اسْتَقَمَّرَهُ فَزَادَ فِي طُولِهِ عَشْرَ أَذْرُعٍ وَجَعَلَ لَهُ بَابَيْنِ أَحَدُهُمَا يُدْخَلُ مِنْهُ
وَالْآخَرُ يُخْرَجُ مِنْهُ فَلَمَّا قَتَلَ بَنَ الرَّبِيعِ كَتَبَ الْمَجَاهِدُ إِلَى عَبْدِ الْمَلِكِ بَنَ مَرْوَانَ يُخْبِرُهُ بِذَلِكَ وَيُخْبِرُهُ أَنَّ بَنَ الرَّبِيعِ قَدْ وَضَعَ
الْبِنَاءَ عَلَى أَسِّ نَظَرَ إِلَيْهِ الْعُدُولُ مِنْ أَهْلِ مَكَّةَ فَكَتَبَ إِلَيْهِ عَبْدِ الْمَلِكِ أَنَا لَسْنَا مِنْ تَلْطِيفِ بَنَ الرَّبِيعِ فِي شَيْءٍ أَمَّا مَا زَادَ
فِي طُولِهِ فَاقْرَهُ وَأَمَّا مَا زَادَ فِيهِ مِنَ الْمِجْرِ فَارُدَّهُ إِلَى بِنَائِهِ وَسُدِّ الْبَابَ الَّذِي فَتَمَّهُ فَنَقِضَهُ وَأَعَادَهُ إِلَى بِنَائِهِ.

زمانی که خانه کعبه در زمان یزید بن معاویه و در جنگ با اهل شام آتش گرفت و آن اتفاقات افتاد، ابن زبیر

آن را به همان حالت رها کرد؛ تا این که مردم به مراسم حج آمدند، قصد او این بود که مردم را امتحان کند (که

آیا سفنان او را برای جنگ با اهل شام، قبول می‌کنند؟)

وقتی که از مردم پیش افتاد گفت: ای مردم، نظر شما در مورد کعبه چیست! آنرا فراب کنم و سپس آن را

دوباره آباد کرده و فراب‌های آن را تعمیر کنم!

ابن عباس گفت: من نظر دیگری دارم! مقدار فراب آن را تعمیر کن و باقی آن را رها کن! و خانه را به همان

مالتی که در اول اسلام بود باقی بگذار!

ابن زبیر گفت : اگر یکی از شما فانه‌اش بسوزد، تا آن را دوباره از نو نسازد، دست از کار نمی‌کشد! چه رسد

به فانه پروردگار شما!

من سه بار استفاره می‌کنم و سپس کار فویش را انجام می‌دهم! وقتی سه بار استفاره کرد، مردم او را ترسانند که اولین کسی که از کعبه بالا برود، عذابی بر او نازل می‌شود! اما شفصی بالا رفته و سنگی از فانه کعبه کند، ولی عذابی نازل نشد! سپس گروه گروه بالا رفته و فانه کعبه را فراب کردند و آن را به زمین رساندند، سپس ابن زبیر ستون‌هایی را نصب کرده و بر آن پرده‌هایی زد و آنها را بالا آورد؛ سپس گفت : من از عائشه شنیدم که می‌گفت پیامبر (ص) فرمودند : اگر مردم تازه از کفر دست نکشیده بودند - و من نیز بودم ندارم که برای سافت کعبه مصرف کنم - این پنج ذرع سنگ بیرون کعبه را داخل کعبه می‌کردم، و یک در برای ورود به کعبه و یک در برای خروج از آن قرار می‌دادم!

اما من امروز چنین پولی دارم! و از مردم نیز نمی‌ترسم! پس کعبه را کمی بزرگ‌تر درست کرد؛ ارتفاع کعبه

نیز 18 ذراع بود که او ان را کم دانست و ده ذراع بر آن افزود! و برای آن دو در قرار داد!

اما وقتی عبد الله بن زبیر کشته شد، مهاج به عبد الملک نامه نوشت و فیر داد که عبد الله بن زبیر اساس

کعبه را طبق نظر سرکشان مکه تغییر داده است!

عبد الملک به او نوشت که ما دست فود را در آنچه عبد الله بن زبیر به آن فود را آلود، وارد نمی‌کنیم! آنچه

بر ارتفاع کعبه افزوده است، بر جای فویش بگذار، اما آنچه از مجر وارد کعبه کرده است، از آن بیرون بیاور و

آن را به مال سابق بازگردان و درب دیگر را نیز ببند و کعبه را بازسازی کن!

النيسابوری القشیری، ابوالحسین مسلم بن الحجاج (متوفای 261هـ)، صحیح مسلم، ج 2، ص 970، ح 1333، کتاب الحج، باب نَقْضِ الْكَعْبَةِ وَبَنَائِهَا،

تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، ناشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت.

طبق این روایات مشرکان قریش و پس از آن سلاطین جور تصرفات زیادی در خانه کعبه انجام داده‌اند.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر طبق وظیفه‌ای که دارند باید خانه کعبه را به همان صورتی که خود حضرت ابراهیم علیه السلام بنا کرده است، برگرداند و قطعا این کار را انجام خواهد داد.

و عجیب است که بزرگان و دانشمندان اهل سنت این روایات را که در صحیح‌ترین کتاب‌های آنها آمده نمی‌بینند؛ ولی روایات ضعیفی را که در برخی از کتاب‌های شیعه نقل شده است، با آب و تاب فراوان نقل و بر شیعیان خرده می‌گیرند.

[موفق باشید](#) / [گروه پاسخ به شبهات](#) / [مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر \(عج\)](#)